گزارش

نارضایتی شهروندان نوشهر و چالوس از عملکرد ضعیف مسؤولان در حل مشکل تأمین آب آشامیدنی

وضعیت آب شرب چالوس بحرانی است

قطع مکرر آب در شهرستان‌های نوشهر و چالوس سبب نارضایتی اهالی این منطقه شده؛ این وضعیت در حالی است که در شبانه‌روز چند نوبت آب برخی مناطق قطع می‌شود. برخی شهروندان با بیان اینکه قطع مکرر آب بویژه در روزهای گرم تابستان، کلافه‌مان کرده خواستار تدبیر ویژه مسؤولان امر برای رفع مشکلات شدند. یک شهروند چالوسی که خود را کشوری معرفی کرد، با بیان این سوال که مشکل قطعی آب تا چه زمانی باید ادامه داشته باشد، می‌گوید: قطعی آب مشکلات زیادی برای ما که در منزل دارای بیمار هستیم ایجاد کرده است. وی از مسؤولان امر خواست برای رفع مشکل کمبود و قطعی آب در شهر چالوس که در ایام تعطیلات با شمار زیاد مسافران مواجه است، چاره‌ای بیندیشند. شهروند دیگری با بیان اینکه همه ساله با فرا رسیدن فصل گرما حجم مسافرت‌ها به شهرستان چالوس افزایش می‌یابد، می‌گوید: این در حالی است که آب شرب این شهرستان به‌طور مکرر و بدون اطلاع قبلی قطع می‌شود. وی ادامه می‌دهد: آب شرب این منطقه (خیابان عاشورا در چالوس) در بیشتر اوقات روز قطع است و از ساعت ۱۲ شب به بعد وصل می‌شود و این وضعیت سبب نارضایتی اهالی شده است. شهروند دیگری با عنوان اینکه هرازگاهی آب شرب منطقه بازار روز حدفاصل دبیرستان شهید بخشی تا سه‌راهی قطع است و مسؤولان پاسخ منطقی در این زمینه ندارند، می‌گوید: آیا این صحیح است که ضمن پرداخت آب‌بها و نداشتن آب در این فصل گرم از سال، هزینه کنیم و آب از بیرون بیاوریم تا مخزن منزل مسکونی را پر کنیم.

محمدی ساکن منطقه شکری‌کلای نوشهر نیز با بیان اینکه در این منطقه با مشکل قطعی و افت فشار آب مواجه هستیم، می‌گوید: مسؤولان پاسخ منطقی و قانع‌کننده‌ای درباره قطع آب در این منطقه ارائه نمی‌کنند. فرماندار چالوس نیز وضعیت آب شرب در شهر چالوس را بحرانی دانست و گفت: برای رفع مشکل آب شرب شهر چالوس نیاز به حفر چند حلقه چاه و اصلاح شبکه‌های آبرسانی داریم اما متأسفانه شرایط سخت زندگی مردم برای مدیران آب و فاضلاب شهری مهم نیست. زندی بیان داشت: در بعضی از مناطق شهرستان چالوس مدت یک ماه است آب شرب ندارند و من شرمنده این مردم هستم که باید بی‌تدبیری و بی‌مدیریتی مدیران آب و فاضلاب شهری را تحمل کنند. نماینده عالی دولت در شهرستان چالوس گفت: وضعیت بحرانی موجود در شهرستان چالوس را به ستاد بحران استان نیز انتقال داده‌ایم اما تا این لحظه شاهد هیچ کمک بهبودیافته‌ای برای وضعیت موجود نبوده‌ایم. وی گفت: مردم گردن ما حق دارند و واقعاً نداشتن مدت طولانی آب شرب زندگی را برای‌شان سخت می‌کند؛ از استاندار مازندران انتظار داریم به این موضوع ورود کند و دستور دهد هر چه سریع‌تر جلسه ستاد بحران استان با حضور مدیران آب و فاضلاب شهری برای رفع مشکل آب شهر چالوس تشکیل شود. وی در پایان گفت: شخصاً برای پیگیری وضعیت و رفع مشکل و بررسی چرایی قطع آب شرب در اداره آب و فاضلاب شهری حاضر شدم اما نیاز است مدیران کل آب و فاضلاب شهری و روستایی به خودشان زحمت بدهند و برای پیگیری مطلوب موضوع در شهرستان حضور یابند. در عین حال معاون بهره‌برداری آب و فاضلاب شهری مازندران با عذرخواهی از شهروندان چالوس به دلیل قطع و اختلال در روند آبرسانی، اظهار داشت: نوشهر و چالوس از منابع آب خوبی شامل چشمه گردوک و «اسپی او» برخوردار است و از نظر منابع کم و کسر نداریم. محمودی با بیان اینکه ۲۵۰ لیتر بر ثانیه آب شهر چالوس از نوشهر و چشمه‌های یادشده تأمین می‌شود، نیاز آبی این شهر را ۳۶۹ لیتر بر ثانیه برای ۱۲۱ هزار نفر جمعیت شهری ثابت و روستایی در مسیر خط انتقال و جمعیت غیردائم اعلام کرد و گفت: از نظر منابع آب کمبودی وجود ندارد و فرسودگی بالای ۲۰ درصدی شبکه‌ها از جمله مشکلات است. به گزارش مهر، وی به مشکل قطعی آب در روزهای گذشته در چالوس اشاره و اضافه کرد: انجام عملیات عمرانی از سوی اداره راه سبب ضربه خوردن به لوله‌های انتقال آب شد و طولانی شدن زمان مرمت سبب افت ذخایر مخزن آب و بروز مشکلاتی برای شهروندان شد که از همه آنان به خاطر چنین مشکلی عذرخواهی می‌کنم. محمودی با بیان اینکه مشکل آب چالوس در روزهایی که دچار مشکل بود حتی با آبرسانی با تانکر رفع شد در عین حال تصریح کرد: نقاطی از شبکه چالوس بویژه در منطقه رادیودریا نیازمند اصلاح شبکه است و برای اصلاح شبکه به اعتبار کلان و حمایت دولت نیاز داریم. افزایش شمار مسافران و گرمای هوا لزوم تخصیص منابع برای اصلاح شبکه‌های فرسوده آب را در شهرستان‌های گردشگرپذیر غرب مازندران از جمله نوشهر و چالوس ضروری می‌کند و باید برنامه‌ای هدفمند و جامع در این زمینه طراحی شود.

یادداشت امروز

ادامه از صفحه اول

با «دکور انصاف» منصف نمی‌شویم!

حل‌المسائل ۸۸

لذا ۸۸ اگر نظام می‌خواست برابر «دروغ تقلب» سر خم کند، این سر آنقدر خم می‌شد که دیگر به ۹۲ و ۹۶ نرسد! به اعتبار این سخن، باورم هست از قضا، مهم‌ترین مساله ۸۸ یعنی «دروغ اکبر تقلب» با دفاع مقتدرانه اما مظلومانه نظام از ۴۰ میلیون رأی آن انتخابات و البته رأی اکثریت، الی‌الابد حل شد! پس این متن، در ضمیر خود هرگز نافی آن «مساعی مردمسالارانه» نبوده و نیست، لیکن نه بنای بر زندگی در عرش داریم و نه شعار! پس حل‌المسائل باقیمانده از ۸۸ چیست؟ و خوب است بررسی مجدد کنیم و ببینیم اصلا و اساسا علت مسائل ۸۸ چه بود؟

■ **مورد مناظره**

بعضی را- و شگفتا که بعضا از میان کسانی که با «دکور انصاف» سخن می‌گویند- گمان بر این است که «۲۲ خرداد ۸۸» ریشه در «۱۳ خرداد ۸۸» دارد! یعنی علت فتنه، برمی‌گردد به سخنان مطروحه در مناظره! بر اساس این داوری، اگر در مناظره‌ای انتخاباتی، نامزدی علیه دیگر نامزدها یا دیگر شخصیت‌ها، سخنی به غیظ یا حرفی به غلظت گفت، حق فتنه و اگر نه، مجال فتنه و بستن تهمت تقلب به آن انتخابات، برای کاندیداهای معترض، محفوظ است! اینجا پرسشی به وجود می‌آید: در مناظرات انتخاباتی ۹۲ یا همین ۹۶ آیا میان کاندیداهای محترم، نقل و نبات پخش می‌شد؟! آیا در ۹۲ برای آقای قالیباف یا در ۹۶ برای آقای رئیسی، دشوار بود که به بهانه بعضی اتهامات و برخی درشتگویی‌ها، آتش‌بیار فتنه شوند و در معیت طرفداران خود، کشور را به زحمت بیندازند و احیانا ادعای تقلب کنند؛ بعد هم هر که خواست مساله را حل کند، انگشت اشاره را حواله کنند سمت مناظره‌ها! که چی؟! که فتنه از آنجا شروع شد، نه اینجا! و از دیروز شروع شد، نه امروز! و همه چیز، تقصیر مثلا تهمت‌های آقای روحانی بود، در مناظره! کسی آیا این مغلطه و فرافکنی را می‌پذیرد؟! بگومگو و کشمکش و دعوا و مرافعه و حتی تهمت و افترا، به خوب یا بدش کار نداریم اما هم قبل انتخابات ۸۸ بوده و هم بعد آن! بگذریم که در خود ۸۸ هم، تهمت‌ها و افتراها هرگز یک‌طرفه نبود! اگر آن‌سوی میز، سخنی علیه آقازاده‌های مایل به این‌سوی میز گفت، این‌هم بود که این‌سوی میز، نه فرزندان بلکه مکرر خود آن شخص را و آمارهای رسمی و قانونی دولت آن شخص را «دروغ» بخواند! من در این متن البته کاری به این ندارم که چه کسی تا چه میزان، راست می‌گفت و چه کسی تا چه میزان، دروغ! حرفم سر این مهم است که چون در مناظره، نازک‌تر از گل به من یا خاندانم گفته شد، اصلا و ابدا دلیل نمی‌شود که دچار توهم شوم و هنوز رأی‌گیری تمام نشده، پیروزی خود را بیایم جلوی دوربین‌ها جار بزنم و تبریک بگویم! و هر روز برای کشور، یک غائله درست کنم و هر که هم متعرض من شد، حواله‌اش دهم به مناظرات!

■ **مورد شورای نگهبان**

بعضی را- و شگفتا که بعضا از میان کسانی که با «دکور انصاف» سخن می‌گویند- گمان بر این است که ریشه فتنه ۸۸ به علاقه فلان عضو بهمان نهاد ناظر بر انتخابات، به نامزدی خاص برمی‌گردد! تحلیل جماعت این است که ابراز چنین علاقه‌مندی‌هایی منجر به سوءتفاهم می‌شود و سوءتفاهم هم منجر به ادعای تقلب و ادعای تقلب هم منجر به آشوب و الخ! البته همین را هم عجبا که آلوده به تهمت و دروغ، مطرح می‌کنند، نه اینقدر کلی که من اشاره کردم! تازه اینها جماعت مثلا منصف جریان مدعی اصلاحات هستند و سرشار از افه رواداری! اولا همه اعضای شورای نگهبان، مثل همه مردم، در انتخابات شرکت می‌کنند و ناظر بر علاقه‌شان به مشربی، به نامزدی رأی می‌دهند! حالا اگر یکی از این اعضا آمد و از علاقه خود رونمایی عمومی کرد، بر فرض که کار سنجیده‌ای نباشد؛ آیا می‌توان به بهانه آن، اصل و اساس انتخابات را زیر سوال برد؟! و سلامت انتخابات را مورد خدشه قرار داد؟! و در شرایطی که هنوز انتخابات تمام نشده، خود را فرد پیروز معرفی کرد؟! ثانیا هم شورای نگهبان و هم مجموعه نظام، کم نبوده که برآیند تصمیم‌شان به نفع جریان رقیب باشد! در همین انتخابات ۹۶ مورد داشتیم که خود طرف گفته بود «من نامزد واقعی نیستم و فقط برای حمایت از آقای روحانی به صحنه می‌آیم!» و در کمال ناباوری محض، همه دیدیم شورای نگهبان، صلاحیت او را تأیید کرد! یعنی چه دقیقا؟! یعنی نامزد جناح مقابل ما، از همان بدو امر، با «یار کمکی» وارد رقابت با سایر نامزدها شده بود! امری حقیقتا «نوبر»! آیا جریان ما نیز باید این موارد را بهانه تمرد از قانون می‌کرد؟! و آن می‌کرد که ۸۸ جماعت کردند؟! ثالثا در همین انتخابات اخیر، مگر شخص وزیر کشور در مقام مجری اول انتخابات و برگزارکننده اول انتخابات، بارها و بارها در رفتار و گفتار و در روز روشن از شخص آقای روحانی حمایت نکرد؟! و مگر در برخی جلسات ستاد آقای روحانی شرکت نکرد که محل تذکر هم شد؟ و مگر منهای بحث «تخلفات گسترده»، سایر زیرمجموعه وزارت کشور- نهاد اصلی امر انتخابات- از قبیل استانداران و فرمانداران، از رئیس‌جمهور فعلی حمایت آشکار نکردند؟! آیا جریان ما هم این حق را بر خود مفروض گرفت که مستند به این همه حمایت، آن هم توسط «مجری انتخابات» ادعای تقلب کرده و غائله‌ها برپا کند؟! و هزینه‌ها بر دوش کشور تحمیل کند؟!

■ **مورد عجیب ۹۶**

عجیب اینجاست که اگر بخواهیم بهانه‌تراشی کنیم، در انتخابات اخیر، ناظر بر ۶ تفاوت مهم نسبت به سایر انتخابات‌ها که در ۲ متن «هم تبریک و هم تسلیت!» به تاریخ ۹ خرداد ۹۶ و «خط امام یعنی خط قانون» به تاریخ ۱۱ خرداد ۹۶ به همه آن موارد اشاره کردم، اتفاقا دست جناح ما بسی بازتر بود اما آنکه انتخابات را فقط به شرط برد نمی‌خواهد، هرگز قدم در وادی توهم و بدتر از آن؛ توحش نمی‌گذارد!

■ **مورد «دیدید گفتیم»**

مدعی می‌شوند ناظر بر ۸۸ و اتفاقات بعدش، حرف ما مبنی بر عدم صلاحیت فلانی ثابت شد! این هم باز مغلطه است؛ مغلطه‌ای بس بزرگ! چرا؟ توضیح می‌دهم! آیا وقتی «سعید حجاریان» فقط ۳ ماه بعد از انتخابات ۹۶ سخن از «وجوب نقد روحانی» می‌گوید و آیا وقتی چند روز پشت سر هم، طعنه و کنایه به حسن روحانی، تیتر یک زنجیره‌ای می‌شود و آیا وقتی رسما و علنا از لزوم روشن کردن تکلیف خود با رئیس‌جمهور مملکت، سخن می‌گویند؛ این همه یعنی اثبات سخن ما در ایام تبلیغات؟! و احیانا بد بودن آقای روحانی؟! من خواهش می‌کنم اقلا جماعت مدعی انصاف جریان اصلاحات، خود را به تجاهل نزنند! گفت: «تلک الایام نداولها بین الناس»! روزی شما علیه آقای هاشمی «عالیجناب سرخپوش» می‌نوشتید و ما همان روزها و با وجود همه نقدهای‌مان به شخص آقای هاشمی و اطرافیان آن مرحوم، از هاشمی دفاع کردیم! بعدها این ورق برگشت، البته بی‌آنکه ما در مقام نقد عالیجناب سرخپوش جماعت اصلاحات‌چی، حرف‌هایی از این دست بزنیم! هر چه گفتیم و هر چه نوشتیم، نقد مشخص رویه‌ای بود غلط! بی‌آنکه ایشان را قاتل بخوانیم یا آمر جنایتی! همین‌جا جا دارد به نکته‌ای بس مهم اشاره کنم! برای جریان انقلابی و حزب‌اللهی، همین فخر بس که به فرموده مولای متقیان، اشخاص را به حق می‌سنجد و نه بالعکس! و اگر چه متوجه ضرورت تلاش برای نگه‌داشتن عناصر در مجموعه خود و نیز مجموعه نظام هست اما متوجه این هم هست که به کسی، چک سفید امضا ندهد! لذا اینکه مرتب می‌گویند «ما از دوم خرداد با فلانی بودیم و الان هم هستیم» بیش از آنکه مایه فخرشان باشد، نیک اگر بنگری باید باعث ننگ‌شان باشد! که «افتخار واقعی» در همراهی همیشگی با «حق» است، نه با اشخاص! به این اعتبار، ما همیشه به حمایت خودمان از «عدالتخواهی» و «کار جهادی» و «مردم‌گرایی» افتخار می‌کنیم. و الا اگر بنا بر «سخن شلوغ» و «حرف آشفته» باشد، آنکه شر مطلق شماست، لااقل بر اساس همان فریضه «تلک‌الایام» سالیانی پیش از آنکه رأی ما در ۸۸ باشد، استاندار آقای هاشمی بود! و بنا به نقل محسن هاشمی، رئیس ستاد شرق تهران ایشان در انتخابات ۷۲ یعنی فقط ۴ سال قبل از دوم خرداد کذایی!

■ **مورد اعتراف بی‌عذرخواهی**

جدا از اعترافات مطرح شده در دادگاه شماری از اصحاب فتنه و البته قبل از آن؛ در جلسه معروف با بزرگان که تحت عنوان «من مدیر جلسه هستم» تقریبا معرف حضور همه هست، الباقی ایشان نیز مکرر در جلسات خصوصی تاکید کرده‌اند که «۸۸ تقلب نشده بود و اساسا سازوکار انتخابات در نظام جمهوری اسلامی، آن اندازه دست مردم و امنای مردم هست که امکان تقلب، آن هم در حد ۱۱ میلیون کاملا منتفی باشد»! با این همه، وقاحت را نگاه کنید که حاضر نیستند همین مطلب را در علن هم بگویند! لااقل به حرمت خون‌هایی که از هر ۲ طرف جریان، ناظر بر بستن همین دروغ به نظام، ریخته شد! نوشتم از «هر ۲ طرف جریان» چرا که اخلاق و انسانیت، گذشته از مسائل سیاسی، برای ما واقعا موضوعیت دارد! و صدالبته که فتنه، به مردمان همسو با جریان مقابل هم، هزینه‌هایی وارد کرد! از یاد نباید برد که ما در این روزنامه و همکاران‌مان در سایر روزنامه‌های انقلابی، معطوف به انتخابات ۸۸ همیشه از «۴۰ میلیون رأی» سخن گفتیم! و از یاد نباید برد که تز «ابطال انتخابات» فقط ابطال آرای اکثریت نبود! این نیز نیازمند تأکید مجدد است؛ منظور ما از «فتنه‌گر» هرگز هموطنانی نیستند که مثلا روز ۲۵ خرداد ۸۸ آن راهپیمایی را برگزار کردند! تصور این دسته از هموطنان ما در آن مقطع و ناظر بر ۲ امر ادعای تقلب سران جریان اصلاحات و ایضا رأی بالاتر نامزد دوم در شهر تهران، این بود که واقعا تقلب شده! البته هر چه جلوتر رفتیم و هر چه شعارها از سمت و سوی انتخابات، به موضوعات دیگر، حتی به موضوع شعار علیه غزه و لبنان کشیده شد، همه شاهد بودیم که از تعداد طرفداران خیابانی جریان فتنه دارد به وضوح کاسته می‌شود اما هنجارشکنی و آشوب و بحران بیشتر! آنقدر بیشتر که حتی به حرمت روز عاشورا هم رحم نشود! در این مقطع، اساسی‌ترین پرسش همه مردم، صرف‌نظر از علاقه سیاسی‌شان، این بود: «تقلب آیا فی‌الواقع رخ داده بود یا فقط بهانه بود؟!»

■ **جمع‌بندی همه موارد**

درباره وقایع سال ۸۸ به مساله اصل کاری توجه نکردن، نه تنها کمکی به حل مساله نمی‌کند، بلکه در نوع خودش و از آنجا که اولا زیاد تکرار می‌شود و ثانیا توسط مدعیان انصاف تکرار می‌شود، فتنه‌ای دیگر است! لذا می‌بینیم منادیان انصاف، وقتی که درباره «حصر» سخن می‌گویند، چنان نگاه‌شان کاریکاتوری است که گویی ۲ همسایه سر پارک ماشین، با هم بحث‌شان شده! و راه حل این است که کمی این همسایه کوتاه بیاید و کمی هم آن همسایه و صلواتی و ختم ماجرا! بله! ما هم معتقدیم به سیاست، نمی‌توان نگاه صفر و صدی داشت اما آیا به این بهانه، باید به سیاست، نگاه کاریکاتوری کرد؟! عاقبت، نگاه بعضی‌ها به مساله ۸۸ دربرگیرنده همه چیز هست الا بحث تقلب! و انگار نه انگار که همه دعوا سر همین موضوع بود! لذا اینکه بحث کنیم ببینیم حصر «اقدامی پیشگیرانه» است یا «عملی مجازاتی» یا اینکه بحث کنیم ببینیم رفع حصر، مصداق تحمیل چیزی به نظام هست یا نیست، بیش از آنکه واقعا بحث باشد، انحراف در بحث است! بحث باید درست باشد! و بحث ۸۸ یعنی بحث سر ادعای تقلب و آشوب پس از آن! همان ادعا که به خاطرش کشور عزیزمان هزینه‌ها داد! و مع‌الاسف تا امروز هم دارد هزینه می‌دهد! پس باید به پله اول بحث برگشت! پله تقلب! همه مسائل از آنجایی شروع شد و از آن روزی شروع شد که جریانی انتخابات را باخت اما فقط این نبود که از اسب بیفتد؛ از اصل هم افتاد! و هنوز انتخابات در جریان است، اعلام ظفر کرد! و بی‌هیچ دلیل متقنی، مدعی تقلب شد! و از احساسات پاک هموطنان عزیز ما، بدترین سوءاستفاده‌ها را کرد! و کشور را به وادی بحران و ناامنی و آشوب کشاند! و زمینه‌ساز تشدید تحریم‌ها شد! و در این باره، حتی به دشمن «چراغ سبز» هم نشان داد! و اما بعد، خودش اعتراف کرد که «تقلب، اسم رمز آشوب بود»! و ناگاه دیدیم کسانی که مدعی تقلب در انتخابات ۸۸ بودند و همه فکر و ذکرشان و همه بهانه‌های‌شان همین موضوع «تقلب» بود، حتی همین تقلب را هم متقلبانه پیچاندند و شعار دادند: «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است!» و البته نیم‌نگاهی هم به افق داشتند: «نه غزه، نه لبنان»! تا آنجا که سران رژیم غاصب قدس در روز قدس بیایند حمایت فتنه‌گران! ما که البته هرگز متوجه ارتباط غزه و لبنان با ادعای تقلب در ۸۸ نشدیم لیکن یک چیز را خوب متوجه شدیم؛ درست همان روزهایی که آمریکا و اسرائیل و حکام مرتجع منطقه، قصد کردند «بیداری اسلامی» را به انحراف بکشانند، همین حضرات محصور که صدالبته حصر، اقل اقل مجازات برای ایشان است، فرصت را مهیا دیدند که بیانیه بدهند برای حضور خیابانی آن هم ۳ روز بعد از راهپیمایی ۲۲ بهمن! که باز هم آشوب و باز هم ناامنی... «حصر» روادارانه‌ترین اقدامی بود که در مقابل سران فتنه و برای حفظ امنیت کشور صورت گرفت. اشاره کنم به حل‌المسائل ۸۸ و آن اینکه بالا برویم و پایین بیاییم، توپ در زمین خود فتنه‌گران است! و این بار دیگر «کلید» حتی دست آقای روحانی هم نیست! دست آقای آملی هم نیست! دست آقای لاریجانی هم نیست! دست ۳ قوه هم نیست! دست شورایعالی امنیت ملی هم نیست! دقیقا دست خود فتنه‌گران است! این عناصر باید رسما و علنا و عمومی اعلام کنند که تقلب «دروغ» بود! و بعد هم عذرخواهی کنند! و در رفتار و گفتار بعدی، نشانه‌های هم‌جهت با این عذرخواهی، از خود بروز دهند! جز این، مسائل مورد نظر، هیچ راه‌حل دیگری ندارد! و تنها و تنها با این اقدام است که مجموعه نظام می‌تواند قدمی به جلو بردارد! پس یک ماجرای واضح را بیخود پیچیده نکنیم! و بی‌جهت، باری را متوجه دوش دولت یا دستگاه قضا یا مجلس نکنیم! برگردیم به سطور ابتدایی! هم من و ما و هم مجموعه نظام، از قضا بیش از داعیه‌داران انصاف یا خود فتنه‌گران متقلب، خواهان حل مسائل باقیمانده از ۸۸ هستیم اما چه کنیم که دست‌مان بسته است! چرا که «تهمت تقلب» را ایشان زدند، و «آشوب» به بهانه «تقلب» را ایشان کردند. همین حالا هم، عدم محاکمه حضرات محارب که البته حکم دادگاه‌شان معلوم است، یعنی خویشتنداری نظام! و تمایل به حل مساله! آنکه این وسط، بی‌تمایل به حل مساله است، اتفاقا «جریان فتنه» است! و از قضا «جریان مدعی انصاف»! و الا چرا از همه چیز، حتی از قاتل بروسلی در کرج، سخن گفته می‌شود، جز دروغ تقلب؟! آقایان منصف! محصورین، ماشین خود را در محل «پارک ممنوع» پارک نکرده‌اند که این همه کاریکاتوری به موضوع ۸۸ نگاه می‌کنید! و دیگر قرار نیست چون ما مثل خودتان نیستیم و مزه برد را در کام‌تان تلخ نکردیم و حتی اگر مناسبات قانونی هم نبود، باز اهل فتنه نبودیم، شما تزهای گشاده‌دستانه بدهید! «حصر» هم قانونی است، هم «درست»! قانونی است، چرا که مصوبه شورایعالی امنیت ملی را پشت سر خود دارد! و درست است، چرا که باعث شد آشوب‌ها از کف خیابان جمع شود! لذا بحث بیخود ممنوع! مصاحبه و گفت‌وگوی بیخود هم ممنوع! مادام که حضرات نامحترم، اذعان عمومی- و نه در خفا- نکنند که تقلب، دروغ بود و مادام که عذری نخواهند و مادام که مسیر گذشته را، هم در سخن و هم در عمل، اصلاح نکنند، بلاشک «تداوم حصر» بهترین گزینه است! و البته لطف نظام به محصورین! قدرمسلم، نظام غافل از «هزینه حصر» نیست اما از هزینه آشوب و بی‌قانونی و طلبکاری تبهکاران هم غافل نیست! و مادام که محصورین، آنچه را در این متن شرح داده شد انجام ندهند، یعنی مرغ فتنه‌شان یک پا دارد! آری! اگر به بیان عده‌ای حصر، هزینه‌هایی هم دارد لیکن مگر ادعای دروغ تقلب، هزینه عظیم نداشت؟! اینجا دقت شود! نظامی که بعد از ۸۸ فقط ۲ انتخابات ریاست جمهوری برگزار کرده، هرگز با چالشی مواجه نیست! «چالش» از آن جماعتی است که لگد به بخت و آبروی خود زدند! و حالا مانده‌اند راه پس را بروند یا راه پیش! شترسواری اما دولادولا نمی‌شود! و جز عمل به آنچه برشمردم، هیچ مساله‌ای حل نمی‌شود! بعضی‌ها منت سر «جمهوری اسلامی» می‌گذارند و از قضا در نهایت بی‌انصافی مدعی می‌شوند که «رفع حصر، به معنای تحمیل چیزی به نظام نیست!» کاش عوض آنکه با چشم بسته، غیب بگویند، بروند سر اصل دعوا! و به این سوال اساسی، پاسخ بدهند که «آیا ادعای دروغ تقلب هم به معنای تحمیل چیزی به نظام نبود؟!» والله مسائل ۸۸ با حصر شروع نشد! با تهمت تقلب شروع شد! با «آشوب» شروع شد! و حصر، روادارانه‌ترین نتیجه آن‌همه آشوب بود! عالیجنابان! قدمی اگر در راه‌حل مساله ۸۸ می‌خواهید برداشته شود، پس به «تداوم تقلب» پایان دهید! تکرار می‌کنم؛ نه در خفا، که در علن! این نمی‌شود که «تقلب» را در گوش بی‌بی‌سی نامحترم جار بزنید و «تقلب نشده بود» را در گوش بی‌بی محترم! ادعای دروغ هم‌مسلکان شما، به علاوه فتنه بعدش، در این مملکت، آدم کشت! جان از آدم‌ها گرفت! جوان از خانواده‌ها گرفت! و منجر به لطمه به آبروی نظامی شد که «محسن حججی» نه اولین شهید آن بود و نه آخرین شهید آن!

آذربایجان‌شرقی

برگزاری نشست کمیسیون توسعه مدیریت شرکت آب و فاضلاب

نشست کمیسیون توسعه مدیریت شرکت آب و فاضلاب آذربایجان شرقی با حضور معاون توسعه مدیریت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان و اعضای کارگروه توسعه مدیریت این شرکت برگزار شد. علیرضا ایمانلو، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان هدف از برنامه‌های تحول اداری را تسهیل پاسخگویی به مشترکان و خدمت‌گیرندگان اعلام کرد و افزود: شرکت آب و فاضلاب استان تلاش می‌کند با اجرای مناسب این برنامه‌ها زمینه تامین رضایتمندی مشتریان را فراهم کند. معاون برنامه‌ریزی و دبیر کمیسیون توسعه مدیریت شرکت آب و فاضلاب استان نیز به سابقه تشکیل کمیسیون توسعه مدیریت و کمیته‌های زیرمجموعه در قالب بخشنامه شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور اشاره کرد و به اهم مصوبات و اقدامات انجام گرفته در سال ۹۶ پرداخت. همچنین معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی سازمان برنامه و بودجه با اشاره به انتخاب شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی به‌عنوان دستگاه برتر در جشنواره شهید رجایی سال ۱۳۹۵، ضمن تبریک به مدیرعامل این شرکت، از تلاش‌ها و کوشش‌های صورت گرفته درباره برنامه‌های تحول اداری تقدیر و تشکر کرد.

هرمزگان

توزیع ۲۰۰هزار نهال یارانه‌دار در بخش کشاورزی هرمزگان

مدیر امور باغبانی سازمان جهاد کشاورزی هرمزگان از توزیع نهال یارانه‌دار خبر داد و گفت: در صورت تامین اعتبارات لازم پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال‌جاری حدود ۲۰۰ هزار اصله نهال یارانه‌دار بین باغداران استان توزیع شود. مسعود گرگیج افزود: در ۶ ماه نخست امسال بیش ۱۵هزار اصله نهال یارانه‌دار بین بهره‌برداران استان توزیع شده است. وی عنوان کرد: عمده این نهال‌ها درقالب طرح تجمیع باغ‌های استان در مناطقی همچون بندرعباس، میناب، رودان و حاجی‌آباد استفاده می‌شود. این مقام مسؤول با بیان اینکه سال گذشته ۷۰ هزار اصله نهال یارانه‌دار در استان توزیع شده، اظهار داشت: برای اجرای این طرح ۵۵۰ میلیون تومان هزینه شده است.

گلستان

پرداخت قطره‌چکانی پول گندمکاران تأسف‌بار است

نماینده مردم گنبدکاووس در مجلس با اشاره به اینکه کشاورزان منتظر دریافت پول گندم خود هستند، گفت: با وجود تلاش‌های بسیار دولت اما نسبت به پرداخت قطره‌چکانی پول گندمکاران گله جدی داریم. قره‌جه طیار با اشاره به اینکه ما از عدم پرداخت پول گندمکاران بشدت از دولت گله‌مندیم، تصریح کرد: برای ما سوال است که چگونه می‌شود وقتی می‌خواهیم گندم از خارج وارد کنیم به صورت نقدی پول آنها را پرداخت می‌کنیم اما وقتی محصولات کشاورزی را از مردم و کشاورزان عزیز کشور خودمان خریداری می‌کنیم پول آنها را با تاخیر چندماهه و در زمانی که ارزش پول کاهش یافته به صورت قطره‌چکانی پرداخت می‌کنیم. وی توضیحات محمدباقر نوبخت معاون رئیس‌جمهور درباره عدم پرداخت پول گندمکاران را غیرقابل قبول دانست و گفت: بنده توضیحات ایشان را قبول نمی‌کنم و معتقدم باید قبل از وقوع چنین اتفاقاتی مدیریت کرده و برای پرداخت پول گندمکاران فکری می‌کردند.

مازندران

افزوده شدن ۲۱ هزار مشترک به مشترکان توزیع برق مازندران

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق مازندران گفت: در ۵ ماه نخست سال جاری حدود ۲۱ هزار مشترک به تعداد مشترکان توزیع برق مازندران اضافه شد. قاسم شهابی گفت: تعداد مشترکان برق در حوزه شرکت توزیع نیروی برق مازندران حدود یک میلیون و ۳۰۸ هزار مشترک است که تعداد ۲۱ هزار مشترک در ۵ ماهه سال جاری به آن اضافه شده است. وی با اشاره به اینکه برق فقط یک کالا نیست و زیربنای توسعه و در واقع بستر زیرساخت‌هاست، افزود: تاکنون ۲ هزار و ۶۹ روستا در حوزه توزیع نیروی برق مازندران از نعمت برق بهرمند شدند. مهندس شهابی با اشاره به اینکه هم‌اکنون حدود ۱۳ هزار و ۸۲۳ مشترک مصارف سنگین هستند، افزود: در ۵ ماه نخست سال جاری ۲۵۳ مشترک به مشترکان مصارف سنگین اضافه شد. وی گفت: تعداد مشترکان مصارف عادی روستایی توزیع نیروی برق مازندران حدود ۵۲۴ هزار مشترک است که از این تعداد حدود ۱۱ هزار مشترک در ۵ ماه نخست سال جاری به آن اضافه شد.